

شماره ۷۷۹۱۷

تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۵

پیوست



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

بیمه

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۸۲/۱۱/۳۴۸
تاریخ ثبت: صبح
اقدام کننده: ۸۲/۱۰/۲۵ عصر

شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۱۷۳/۳۰۷۳/۲۷۰ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۵ دولت در مورد موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ازبکستان که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ مجلس شورای اسلامی عیناً به تصویب رسیده است، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می گردد. ع.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۷۷۹۱۷

تاریخ ۲۵/۱۰/۴۴

پست

بیتنالی

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۸۲۱۶۳۸۹
تاریخ ثبت: ۲۵/۱۰/۴۴
اقدام کننده: عصر

**لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و
تبادل اطلاعات در مورد مالیات بر درآمد و سرمایه بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ازبکستان**

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ازبکستان مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده به شرح پیوست تصویر و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری ازبکستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف
و تبادل اطلاعات در مورد مالیات بر درآمد و سرمایه**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ازبکستان که از این پس دولتهای متعاقد نامیده می شوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دوی آنها باشند.



بیت‌الحالی

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱ - این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه است که صرفنظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

۲ - مالیات بر درآمد و سرمایه عبارت است از مالیات بر کل درآمد و کل سرمایه یا اجزای درآمد یا سرمایه از جمله مالیات درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳ - مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف - درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر دارایی.

ب - درمورد جمهوری ازبکستان:

- مالیات بر درآمد (منافع) اشخاص حقوقی،

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی،

- مالیات بر دارایی.

۴ - این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از تاریخ امضاء این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی

۱ - از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا



بتشاری

نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف -

۱ - «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

۲ - «جمهوری ازبکستان» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری ازبکستان اطلاق می شود.

ب - «شخص» اطلاق می شود به :

۱ - شخص حقیقی،

۲ - شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد.

پ - «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ت - «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

ث - «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله متیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله متیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد، اطلاق می شود.

ج - «تبعه» به هر شخصی اطلاق می شود که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.

چ - «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی، جاده‌ای و راه‌آهن اطلاق می شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی، جاده‌ای و راه‌آهن صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.

ح - «مقام صلاحیتدار» :



مبتنیان

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارائی یا نماینده مجاز او، و

- در مورد جمهوری ازبکستان به رئیس کمیته دولتی مالیات یا نماینده مجاز او اطلاق می شود.

۲ - در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴ - مقیم

۱ - از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت یا هر مقام محلی خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ سرمایه و یا کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

۲ - در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۷۹۱۷

۱۳۸۷/۱۰/۲۵

تاریخ

پست

مبتنی بر

ب - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان براساس بندهای فوق او را مقیم یکی از دولت‌های متعاقد تلقی کرد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳ - در صورتی که به موجب مقررات بند (۱) شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده وی در آن واقع است.

ماده ۵ - مقر دائم

۱ - از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابتی اطلاق می شود که از طریق آن، مؤسسه یک دولت متعاقد کلاً یا جزئاً در دولت متعاقد دیگر به کسب و کار اشتغال دارد.

۲ - اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره،

ب - شعبه،

پ - دفتر،

ت - کارخانه،

ث - کارگاه و

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره برداری از منابع طبیعی.

۳ - کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقر دائم» محسوب می شوند ولی فقط



مبتنی

در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتها بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.
۴ - علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیتهای مشروحه زیر توسط مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر به عنوان فعالیت از طریق «مقر دائم» تلقی نخواهد شد:

الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه.

ب - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.
پ - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.

ت - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات و یا تحقیقات علمی برای آن مؤسسه و یا سایر فعالیتهایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آن که فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند ۶ است) در یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد بنام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیتهایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن که فعالیتهای شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیتها چنانچه از طریق



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۷۹۱۷

تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۵

پوست

بیت‌های

محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقرر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶ - مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آن که در دولت متعاقد دیگر از طریق حق العمل‌کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقرر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آن که عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع ذلک هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این عامل و آن مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷ - صرف این که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقرر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای این که یکی از آنها مقرر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲ - اصطلاح «اموال غیر منقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در



مبتغیان

ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتیها، قایقها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه آهن به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳ - مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴ - مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷ - درآمدهای تجاری

۱ - درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود، مگر این که این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار پردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت دیگر می شود.

۲ - با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد، دارای درآمدی تلقی می شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیتهای نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند.

۳ - هزینه‌های قابل قبول هر یک از دولت‌های متعاقد فقط شامل هزینه‌هایی خواهد بود که به موجب قوانین داخلی آن دولت قابل کسر می باشد.

۴ - چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص



مستثنای

به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵ - صرف آن که مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶ - درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آن که دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷ - در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸ - حمل و نقل بین‌المللی

درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۹ - مؤسسات شریک

۱ - در صورتی که :

الف - مؤسسه یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب - اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند،



مبتنی

و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲ - در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهائی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰ - سود سهام

۱ - سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت‌کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از هشت درصد (۸٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

۳ - اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم‌کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد



بیت‌المال

حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد مجری خواهد بود.

۵ - در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از موافقی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا موافقی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱ - هزینه‌های مالی

۱ - هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - مع ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفترتیس

شماره ۷۷۹۱۷

تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۴۵

پوست

بیتسالی

۳ - اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آن که دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴ - علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و تحصیل شده توسط دولت متعاقد دیگر، یا بانک مرکزی آن، از محل وامها، اعتبارات یا تضمین‌های اعطائی آنها به مقیم دولت متعاقد نخست، به موجب موافقتنامه‌های بین دو دولت از پرداخت مالیات در آن دولت نخست معاف خواهد بود.

۵ - هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۶ - هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، مقام محلی، یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.



بیتسالی

۷ - در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲ - حق الامتیازها

۱ - حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲ - مع ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیش از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳ - اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی، فیلم یا نوارهای رادیویی و تلویزیونی، نرم افزار، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می شود.

۴ - هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می شود از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا



مبتغایی

اموالی که حق الامتياز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۵ - حق الامتياز در یک دولت متعاهد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، مقامی محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتياز (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاهد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجود حق الامتياز به نحوی مؤثر با آن مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق الامتياز بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد حق الامتياز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶ - چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتيازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتياز پرداخت می شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه ای

۱ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۲ - عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسائل کسب و کار مقر



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۷۹۱۷

۲۵ / ۱۰ / ۱۳۴۲

تاریخ

پست

مبتنی

دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت دیگر می شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، وسائط نقلیه هوایی و یا جاده ای یا راه آهن، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیت های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر در شرایط زیر که درآمد مزبور مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر نیز خواهد بود:

الف - این شخص به منظور ارائه فعالیت های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت دیگر خواهد بود، یا

ب - جمع دوره یا دوره های اقامت وی در دولت متعاهد دیگر از یکصد و هشتاد و

بیت‌سالی

سه روز در دوره دوازده ماهه مربوطه بیشتر یا برابر آن باشد.

۲ - اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیتهای مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیتهای مستقل پزشکان، وکلای دادگستری، مهندسان، کارشناسان، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیرمستقل

۱ - با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸) و (۱۹) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه‌ای که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آن که استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آن که:

الف - جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سربرده است از یکصد و هشتاد و سه روز در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب - حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود، و

پ - پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳ - علی‌رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق‌الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد، در زمینه استخدام در کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و



بیت‌المال

راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که متقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت متقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران

۱ - درآمدی که متقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد مشمول مالیات دولت متعاقدی می‌شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳ - درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای خود در چارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاقد تحصیل می‌نماید از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به متقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.



بیت‌المالی

ماده ۱۹ - خدمات دولتی

۱ - حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

مع‌ذلک، در صورتی که خدمات در دولت دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حق‌الزحمه‌ها فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آن که آن شخص مقیم تابع آن دولت متعاقد دیگر بوده و یا صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲ - در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسین، محصلین و محققین

۱ - وجوهی که محصل یا کارآموزی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آن که پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲ - همچنین حق‌الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آن که پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفترتوس

شماره ۷۷۹۱۷

تاریخ ۲۵ / ۹ / ۱۳۸۲

پست

مبتغای

حاصل شود. مفاد این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می باشند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۱ - سایر درآمدها

۱ - ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲ - به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن حاصل شده است با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) یا (۱۴)^(۱) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۲ - سرمایه

۱ - سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲ - سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائمی که مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می باشد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۱ - در متن ترجمه شده دولت حرف «یا» بصورت «و» ترجمه شده است که اصلاح می گردد.



مبتنی

۳ - سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۴ - کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳ - آئین حذف مالیات مضاعف

۱ - در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

معذک در هر یک از دو مورد، این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد یا سرمایه تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

۲ - در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.



مبتنی

ماده ۲۴ - عدم تبعیض

۱ - اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱) این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲ - مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیتها را انجام میدهند نامساعدتر باشد.

۳ - مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴ - به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵ - این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا



بیتنام

مسئولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

ماده ۲۵ - آئین توافق دوجانبه

۱ - در صورتی که شخص مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین ملی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده، تسلیم شود.

۲ - اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳ - مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴ - مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً یا از طریق کمیسیون مشترک متشکل از خود یا نمایندگان خود، با یکدیگر ارتباط حاصل کنند.

مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آئین‌ها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۷۹۱۷

شماره

تاریخ ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۸۲

تاریخ

پست

بتعمیلی

برای اجرای آئین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می آورند.

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات

۱ - مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات بدست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲ - مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

مجلس

ماده ۲۷ - اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸ - لازم‌الاجراء شدن

هر یک از دولت‌های متعاقد طرف دیگر را، از طریق مجاری سیاسی، از تصویب یا تکمیل مراحل مقرر در قوانین خود جهت لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه مطلع خواهد نمود. این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاع قوت قانونی یافته و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد بود:

الف - در مورد مالیات‌های تکلیفی نسبت به درآمدهای حاصل در سی‌امین روز، متعاقب روزی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن،

ب - در مورد سایر مالیات‌های موضوع این موافقتنامه:

۱ - در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مالیات قابل محاسبه در هر سال مالیاتی که از اول فروردین ماه سال هجری شمسی برابر با ۲۱ مارس سال میلادی در سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است، یا بعد از آن شروع می‌شود.

۲ - در جمهوری ازبکستان، نسبت به مالیات قابل محاسبه در هر سال مالیاتی که از اول ژانویه سال میلادی برابر با ۱۱ دی ماه سال هجری شمسی در سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن شروع می‌شود.



بیت‌الحال

ماده ۲۹ - فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یکی از دولت‌های متعاقد فسخ نشده لازم‌الاجرا خواهد بود. هر یک از دولت‌های متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از انقضای دوره پنج‌ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - در مورد مالیات‌های تکلیفی نسبت به درآمد حاصل در سی‌امین روز متعاقب روزی که یادداشت فسخ تسلیم شده باشد یا بعد از آن،

ب - در مورد سایر مالیات‌های موضوع این موافقتنامه:

۱ - در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مالیات قابل محاسبه در هر سال مالیاتی که از اول فروردین ماه سال هجری شمسی برابر با ۲۱ مارس میلادی در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم شده باشد یا بعد از آن شروع می‌شود،

۲ - در جمهوری ازبکستان، نسبت به مالیات قابل محاسبه در هر سال مالیاتی که از اول ژانویه سال میلادی برابر با ۱۱ دی ماه سال هجری شمسی در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم شده باشد یا بعد از آن شروع می‌شود.

این موافقتنامه در تاشکند در دو نسخه در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۸۱ هجری شمسی برابر با ۲۶/ آوریل/ ۲۰۰۲ میلادی به زبانهای فارسی، ازبکی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۷۹۱۷

تاریخ ۲۵/۱۰/۴۴

پیوست

بیتنامی

امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

از طرف	از طرف
دولت جمهوری ازبکستان	دولت جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده متضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و سوم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی